

سالگرد اندوهی بزرگ

درگذشت نابینگام آیت‌الله حاج‌سید مصطفی خمینی فرزند برومند رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران، ضایعه‌ای بس دلخراش و اندوه‌آفرین بود...

اتحاد بزرگ

تکمیل ۱۰ ریال

تسلیم مطامع اجانب شدن، مرادف با مرگ است ملت ایران نشان داد که ملتی رشید و توانا است...

دکتر محمد مصدق

دولت و مردم

حقیقت را هر چند تلخ و ناگوار باشد، مردم باید بدانند و بیاموزند که چگونه با آن روبرو شوند.

برادر کشی در کردستان تا کی؟! ... کردستان جدا از ایران معنا ندارد

راه حل سیاسی تنه‌راه پایان دادن به درگیریها گروهبای فشار مانع از حل بحران کردستان هستند

دولت در هفته گذشته با همه تحریکاتی که مانع از حل بحران کردستان از راه سیاسی می‌شد...



تا دیر نشده...

آنها را که مستقیم یا غیرمستقیم موجب فاجعه بودند به مردم معرفی کنید.

مختنه‌سازی و حادثه‌آفرینی و ندانم کاری و دست بردن ناپاکانه علم قاطعیت، دستاوردهای هستند برای ایجاد محیطی که به سود انقلاب نیست.

از مجموعه‌ی گزارشها چنین برمی‌آید که اگر استاندار گیلان کمی زودتر می‌جسید و آزادان بودن سید را اعلام می‌کرد...

اگر گزارش‌های بسیار پیرامون وضع نابسامان بندر انزلی، اختلافات و درگیری‌های ناشی از تعصب‌های شخصی، گروه‌های اقتصادی، مورد توجه آنجا که ترقی‌طلبان، فراموششان کرده باید در شرایط انقلابی...

جلوه دادن وارونه‌ی حقایق، نداشتن قاطعیت و قدرت تصمیم‌گیری به موقع، یکبار دیگر حوادثی بی‌ارز که معلوم نیست پی‌آمد چه خواهد بود...

مشکل گرانی و کمیابی

کمیابی هر روز دامنه‌ی بیشتری پیدا می‌کند و رقم‌های افزون‌تری از احتیاجات روزانه و حیاتی مردم را شامل می‌شود...

وحدت ملی، ضرورت زمان

تلاش بسیاری است که تمدن و فرهنگ غنی و معنوی ما را به بدترین شکل زیر نفوذ فرهنگ سمایی در آورند.

فرهنگی اصیل و ملی استوار باشد. ظواهر وارداتی فرهنگ بیگانه در افراد یک ملت تولید روح و هویت بیگانه می‌کند...

تضاد «حرکت انقلابی» با «نهادهای مملکتی»

از بیماری‌های «نظام سلطنتی» به آنها سرایت کرد. بدینگر سخن «سازمانهای دولتی» از مردم و خواستهای مردمی بدور افتادند...

اول بنانبود بسوزند عاشقان

دریغ که صدای پای اهریمن استعمار و ارتجاع در فضای زندگی ما بسختی پیچیده است.

دادگاه موضوع را بسه دادرسی ارجاع می‌تند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود...

اهر یمنان خاموش

اعتقاد از نظر اجتماع ما و بیشتر اجتماعات یک انحراف تلقی می‌شود. مساله‌ای است بسیار مهم و قابل پژوهش...

استمداد!

هرچه به اول آبان، روز پیاده شدن قسمت دوم طرح ترافیک نزدیکتر می‌شوم، دلبردام بیشتر می‌گردد!

با خود گفتم مشکل را با شما در میان گذارم شاید راه حلی به عقلمان برسد و گابوس مرا از بین ببرد. من کار می‌کنم و از خانه تا محل کارم نزدیک به یکساعت و یکربع راه است...

راه دیگر اینستکه سحرگاهان حرکت کنیم، بچه‌ها را پشت در مدرسه‌شان به‌خدا بسپارم و خود به موقع به‌کلاس برسم...

فلسفه‌ی مدرسه‌ی نزدیک خانه و محیط کار نزدیک خانه، هر دو را از مغزتان بدر کنید که خیال‌های خامی بیشتر نیستند...

اجتماعی زندگی را سر کنند تا آنها با فراغ بال به یقین و خیانت بپردازند. به همین دلیل خود مشوق و راه‌گشای جوانان برای سقوط در این دره‌ی هولناک بودند...

صنعت بیمار را در یابید

موتاز بودند و برای روز یکبارگی کانی بود که فروشنده اصلی یعنی کارتلهای استعماری از فروش قطعه‌های هرچند بی‌ارزش به ما خودداری کنند تا تعطیل یک کارخانه چندین صد میلیون با صدها و هزارها کارگر بیکار تحویل ما دهند بطور خلاصه اصول اول و چهارم انقلاب سفید شاه و ملت هم کشاورزی ما را به نیستی و انهدام کشید و هم صنعت ما را به فلاکت و زوال. سراب فریبده مرز تمدن بزرگ که چاره پلانی‌اش با تنها مهر درآمده پایمان پذیرد یعنی نفت عوار می‌گشت که تا بخیال باطل شاه و دار و دسته‌اش بعد

استعمار انگشت بر دو عامل اقتصادی مملکت نهاده تا در جمع اصول ۱۹ گانه انقلاب سفید شاه و ملت... همزمان با بیم ربختن بنیادهای اجتماعی و اصالت فرهنگی و سنتهای نگاه‌دارنده و تضاد و هویت ملی اقتصاد صنعتی و اقتصاد کشاورزی ما را ضمن شکل دادن به سیستم وابستگی صرف، برای همیشه معو و نابود سازد و چه خوب بانی چنین فکری ظالمانه و استثمارطلبانه ما بنگام به هدف شوم خود نزدیک و نزدیک‌تر شد تا بدانجا که اگر انقلاب اصیل اسلامی ملت ایران زیر هدایت و حمایت و رهبری قاطعانه امام خمینی به پیروزی نمی‌رسید امروز نامی از ایران به عنوان یک کشور مسلمان مستقل با هویت استقلال و حاکمیت ملی بر صحیفه تاریخ به چشم نمی‌خورد.

و عمل ساواک با اتوبوس گروهها را از این صنوق به آن صندوق میکشاندند تا صحره بر نیت بلید ارباب خود و نوکر امپریالیسم جهانی بزنند امام خمینی به عنوان رهبر پیشرو مبارزان ضد استعماری اولین خطابه خود را در مدرسه فیهیه قم در جبهه با طاغوت و استعمار بیان‌داشته و آن خود استخار حضور در یک اجتماع چند صد هزار نفری را که تمام خیابان‌های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام را پر کرده بودند داشتیم من صدای حق جویانه امام را می‌شنیدیم که به شاه هشدار میداد و او از نیت پلیدی که در سر داشت باز میداشت من می‌شنیدیم که امام با صداقت و آنچه که در شان و مقام یک رهبر والاست به ملت هشدار میداد و آگاهانه زنک خطر را بگوش ملت ایران رساند که توطئه‌ای ضد انسانی - ضد دینی در پیش است و از همان تاریخ بود که فشار عیات حاکمه خائن و ظالم بر امام و پیروانش افزایش یافت از تبعیده به تهران تا نجف و سالها دوری از وطن در حالی که چشم و قلبش نگران سرنوشت سی و پنج میلیون ایرانی مسلمان بود مبارزات امام به نتیجه رسید و با فرار شاه و سقوط دولت دست نشانده بیگانه، فریاد شادی هموطنان ما به آسمان مرزها کشیده شد

رژیم ساقط شده اولین اصل را به عنوان مهمترین عامل رهایی دهقانان و زحمتکشان از یوغ اسارت اربابان بیه کشاورزان رنج دیده وطنمان رذائی داشت تا فقط یکدست... فقط یکدست... انهم دست شاه قدرت چپاول اموال و اراضی کشتکاران را به اختیار گیرد شاه سابق در نوگری بیگانه یدی طولا داشت و چنان بود که در حمایت اربابان خویش به سرعت و قدرت توانست اراضی غصبی کشاورزان را به پول تبدیل کند و شیوه فروش نیز چنان بود که در یک مرحله حق تصرف یا حق «کارافه» را به عنوان زمین دست داشت و موروثی... به اجبار و به قیمت خون پشوش به کشاورز می‌فروخت و بعد با حيله و نیرنگ برای بار دوم مالکیت‌عمره را بفروش می‌رساند و از طرف دیگر با تشکیل شرکت‌های عامل فروش محصولات مکانیکی کشاورزی سپرداخت وام کشاورزی از طرف بانک عمران انحصار فروش کود و پلر و سم آنچنان کشاورزان را زیر بار وام و نزول و بیره قرار میداد که تا

فرار سرمایه و فرار مدیران و صاحبان کارخانه‌ها و کارگاهها آسیبی بود که دیر جبران می‌شود

از ۱۲ سال دیگر چینی به عظمت چشتهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی از خزانه دولت شاه ۲۵۰۰ تا دوازده ماه بعد از یاده‌گونی شاه ادامه نیافت و این سراب با خیال-پرداز و خیال‌باف دیوانه‌اش ماهیت بی-مایه‌گیش را ظاهر ساخت اما آنچه در پس چنین سرابی و در فضای چنان غارتگری برای ملت ما و مملکت ما بجای نهاده شد فرار سرمایه و باقی ماندن میلیاردها دلار تصد در زمینه‌های مختلف منجمله برنامہ پیشرفت صنعتی و حضور به جمع قدرتمندان جهان صنعتی بوده است الحق نامی را که شاه برای انقلاب خود تعیین کرده بود نسامی سزوار همان انقلاب بود انقلاب سفید -

بودن خرید لوازم مکانیکی شخم و برداشت بدلیل انحصاری بودن فروش پلر و کود و سم به قیمت سرسام‌آور، بدلیل ویرانی فنوت و مزارع و به امید سراب فریبده و کاذب قطبهای صنعتی مزارع را وامی‌داشت تا آخرین مهر ارتزاق خود را به تن بخت به فئودال شهری بفروشد و بجای اینکه ساقه هویج و بوته سیب زمینی در زیر خاک نشو و نماند تیر آهن و بکوک سیمانی بصورت ویلای اختصاصی از روی خالارخنده استوزاء به رنجبران زند افتاد چنین شیوه ضد ملی باعث شد تا کارگر بی‌مبارت و فقیر و ازنان به خدمت صنایع وابسته به رژیم درآید صنایعی که همه به صورت

اگر کارخانه‌های یک‌ماه بلااستفاده بماند ، راه اندازی دوباره و ش‌مشکل و گاه محال است

و تباهی نصیب ما شد ولی بپر حال تحمل ظلم و غارت را حدی بود و نیروهای مسلمان و متعهد و مبارز نیز ساکت و آرام بجای نشست بودند از همان روزی که شاه سابق اصول ۱۹ گانه انقلاب را که مخالف مذهب و انسانیت بود برای عوامی گذارد

۴ ماه اعتصابات سیاسی - ۴ ماه کار نکردن ها - ۴ ماه کارشکنی ها - ۴ ماه سینه‌ها را سنگر صغیر گلوله‌ها ساختن ملت را از غول استبداد و شاهی و فساد رهایی بخشید و آنچه بجای مانده متنی پر کینه از فساد نیم قرن سلطنت پهلری‌دا

آگهی حصر وراثت

خاتم اقدس ابوالخیریان به شناسنامه ۱۳۶ به شرح درخواست کلاسه ۲۰۴۱۵۸۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان فتح‌اله طلاگر به شناسنامه ۳۰۵ در تاریخ ۵۸۲۵۸۲۵۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده همسر و جعفر طلاگر به شناسنامه ۴۱۷ و محمد رضا طلاگر به شناسنامه ۷۱۰ پسران و ویدا طلاگر به شناسنامه ۹۲۰ دختر و نرجس خاتون طلاگر به شناسنامه ۱۳۳۸ مادر و یداله طلاگر به شناسنامه ۱۳۳۸ پدر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی حصر وراثت

آقای اکبر مجبلی به شناسنامه ۲۲۳۲۲۲۲۲ به شرح درخواست کلاسه ۲۲۳۲۲۲۲ این شعبه توضیح داده شادروان علی مجبلی به شناسنامه ۴۵۱ در تاریخ ۱۳۵۶۶۶۶۶ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده و اصغر مجبلی به شناسنامه ۲۵۰۳ و عباس مجبلی به شناسنامه ۱۷۹ و محمد رضا مجبلی به شناسنامه ۸۶۰ پسران و زهرا آمانی به شناسنامه ۵۲ همسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی حصر وراثت

آقای فرزین بهرامی به شناسنامه ۲۲۷۲۲۲۲۲ به شرح درخواست کلاسه ۲۲۷۲۲۲۲ این شعبه توضیح داده شادروان عبدالله بهرامی به شناسنامه ۳۷۲۹۲ در تاریخ ۵۸۲۳۲۵۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده و فریبرز بهرامی به شناسنامه ۲۴۵ و فرزاد بهرامی به شناسنامه ۳۷۷ و فرهاد بهرامی به شناسنامه ۴۲۱ پسران و ملیحه منظمی به شناسنامه ۱ همسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی تاسیس

شرکت ساختمانی کیدان با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸۲۳۲۲۲ تحت شماره ۳۵۳۵۸ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن آگهی میشود. ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به راه و ساختمان ، شهر و شهرک سازی، تاسیسات آبپنه، تاسیسات شهری و برق و مقاطعه‌کاری آنها. ۲- مرکز شرکت: تهران خیابان نظام‌آباد اول کتخ جنب تالار آپارانا طبقه دوم و شعبه شرکت در خرم‌آباد لرستان جنب پل شهید باهمدریت آقای رضاسماواتی شار میباشد. ۳- سرمایه شرکت: یک میلیون ریال. ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان مهندس حسینیعی نسیمی بسنت عضو مدیرعامل و مهندس حسین‌عالمزاده بغدادی مدیر عضو و رئیس هیئت‌مدیره و رضا سماواتی شار بسنت عضو و مدیر مالی و علی رفیعیان به سمت عضو و مدیر فنی به مدت نامحدود انتخاب و حق امضاء با و نفر از ۴ نفر مدیران مرقوم متقا و مهر شرکت میباشد. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی مه‌الف ۱۳۷۸۱

آگهی تاسیس شرکت ماروسا با مسئولیت محدود

شرکت ماروسا با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸۲۲۲۲ تحت شماره ۳۵۳۵۸ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود. ۱- موضوع شرکت: واردات و صادرات اخذ نمایندگی خرید و فروش داخل و خارج از کشور مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی و بیمه‌انگاری و به طور کلی. ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان پارک (وزراء) شماره ۱۳۳ ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال. ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان ابوالقاسم مدنی اشکذری و سیامک فراهی به سمت مدیران شرکت و آقایان ابوالقاسم مدنی اشکذری بسنت مدیرعامل و سیامک فراهی به سمت رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد شرکت چکها و سفته‌ها و برات با امضاء یکی از آقایان ابوالقاسم مدنی اشکذری و یا سیامک فراهی یا مهر شرکت معتبر میباشد. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یعنی مدنی مه‌الف ۱۳۷۸۳

آگهی انحلال شرکت وایتوز با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۸۳۳۷

باستناد صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۱۳۵۸۲۵۸۲۵۸ شرکت مزبور منحل گردید و آقای سومیخ طربی یکی از مدیران شرکت به سمت مدیر تصفیه انتخاب شد آدرس مدیر تصفیه و محل تصفیه محل سابق شرکت تهران خیابان نادری پاساژ گیو میباشد. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یعنی مدنی مه‌الف ۱۳۷۷۷

آگهی تاسیس شرکت بایلو

شرکت بایلو با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸۲۳۲۲۲ تحت شماره ۳۵۳۰۹ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود. ۱- موضوع شرکت: تولید انواع محصولات پلاستیکی کاتوجوئی و شیه کاتوجوئی و لاستیکی واردات و صادرات کالای تجارتن بصورت خام و پیش‌ساخته- خدمات مهندسی در امور برق و تاسیسات و ساختمان. ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان سعدی جنبی پاساژ سلامت طبقه دوم شماره ۲۱۸. ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال. ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان فرخ صابئی - مهدی بسایگان و عبدالله فرخ صابئی مهدی بسایگان مدیر عامل فرخ صابئی رئیس هیئت مدیره و عبدالله ضرابی نایب رئیس هیئت مدیره حق امضاء اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک و سفته و برات و اسناد تمهیدآور و قراردادهای با مدیر عامل و یکی از اعضای هیئت مدیره و با مهر شرکت معتبر است. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یعنی مدنی مه‌الف ۱۳۷۸۷

آگهی حصر وراثت

آقای عباس حیدری به شناسنامه ۲۱۶۱۵۸۵۸ به شرح درخواست کلاسه ۲۱۶۱۵۸۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان عزیز حیدری به شناسنامه ۲۵۹ در تاریخ ۵۸۲۵۸۲۵۸ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده پسر و شهبین حیدری به شناسنامه ۳۴۶ و شهباز حیدری به شناسنامه ۹۹۶ و شهبزاد حیدری به شناسنامه ۲۲۷۲۲۲۲ دختران و قزیگل سعادت به شناسنامه ۱۶۸ همسر و رقیه حیدری به شناسنامه ۲۵۸ مادر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی انحلال در شرکت تورین موتوز

نام.ت. با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۱۶۴۰۴ برابر صورتجلسه مورخ ۵۸۲۳۲۲۲ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت مذکورمنحل و آقای خلیل عسیران به شناسنامه شماره ۹۴۰ صادر از تهران به عنوان مدیر تصفیه انتخاب گردید و محل تصفیه و آدرس مدیر تصفیه تهران خیابان آزادی شماره ۵۳۴ تعیین گردید. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یعنی مدنی مه‌الف ۱۳۷۷۸

آگهی حصر وراثت

آقای منوچهر ربانی به شناسنامه ۴۰ به شرح درخواست کلاسه ۱۸۷۴۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان رحمت‌اله ربانی به شناسنامه ۲۶۸ در تاریخ ۱۳۵۶۱۳۵۶ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده و فرهنگ ربانی به شناسنامه ۹۹ و ایرج مسعود ربانی به شناسنامه ۱۲۰۳۲ و فریدون ربانی به شناسنامه ۴۷ پسران و غفت ربانی به شناسنامه ۹۸ و آذر ربانی به شناسنامه ۲۲ و دختران و بتول ربانی به شناسنامه ۲۴ همسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی حصر وراثت

خانم نینا اوتانیان به شناسنامه ۲۲۵۲۶ به شرح درخواست کلاسه ۲۱۴۹۵۸۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان واهسان اوتانیان به شناسنامه ۲۲۵۲۴ در تاریخ ۵۷۹۱۷۱۷ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده و ایزابلا اوتانیان به شناسنامه ۲۲۵۲۷ دختران و گئورگ اوتانیان به شناسنامه ۵۰۳ پسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

آگهی حصر وراثت

خانم صفرا فرشیا ف منوچهری به شناسنامه ۲۸۱۷۱ به شرح درخواست کلاسه ۲۴۷۵۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان محمد تقی مجلد به شناسنامه ۵۸۱۲ در تاریخ ۵۷۹۱۱۱۱۱ درگذشته ورثه وی عبارتند از درخواست‌کننده همسر و پروین مجلد به شناسنامه ۷۰ و حاجیه مجلد به شناسنامه ۲۱۰ دختران. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود

بقیه از صفحه اول
شاید اگر خوش بینی به خرج نمی دادیم از همان روزهای نخست، روزهای با شکوه «یا روسری یا توستری» متوجه ستمی که میرفت سیر تکاملی طی می شدیم!
همه تعارفها و قدرشناسیها بوی تلخ به حساب نیامد و کالا شدن مردم ولی ما خوش باورانه به انتظار زمان نشستیم.
اعتراض ما را نایجا انگاشتیم و حتی نوبتیم که صف شکنی بپرقتیم و به هر بهانه صلاح انقلاب نیست، زنان را به صبوری دعوت کردیم و خود شکیباناظر گسترش حقوق مردان و در چنان فضائی بی گمان محدودیت حق زنها شدیم!
و حالا استعمار چهره ی گریسه و چندش آورنده را بی رود بایستی و پرده پوشی نشان میدهد.
توجه داشته باشید وقتی ما از «استعمار زن» سخن می گوئیم هرگز آنرا

زن بودن اوست و زن مساندنش. و آن شخصیت کاذب است که در ظاهر به مردی و به عبادت دیگران مردمانی رخ می نماید، زیرا که در متن طبیعت نه مرد و نه زن به تصادف مرد یا زن نشده اند و چنین هم نیست که یکی از این دو کامل و دیگری ناقص آفریده شده باشد، بلکه هر کدام به تشبیهی ناقصند و بوسیله دیگری و با دیگری کامل می شوند.
آزادی واقعی در جامعه ای است که سازنده و بوجود آورنده آن جامعه زن و مرد با هم باشند.
باید دانست که در جامعه ای ما ضرورت آگاهی دادن، شناخت و شعور بفرهنگ، انگیزه خودشناسی و خود-سازی و شناساندن موقعیتها به سختی احساس می شود و برای این کار باید به دوباره سازی شخصیت انسانها چه مرد و چه زن و عیب زن ماسکها و کنار زدن نقشهای تحمیلی و ریایی پرداخت و پلور از ابتدال، قدرت تفکر و بینایی داد و

اول بنای بود بسوزند عاشقان



اگر انقلاب جهشی بستوی تعالی و تکامل است، آیا لازمه اش گسستن همه ی بندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیست.

با عوام ریزی هایی که زیر نام «آزادی زن» ارائه شده اشتباه نکنید! زیرا آزادی زن اکنون نه نود توجه ماست معنایش آزادی واقعی زن و در حقیقت آزادی انسان است و وقتی ما از این استعمار در طول تاریخ یا در اقتصاد و یا در حقوق مدنی سخن می گوئیم دلیلش این نیست که می خواهیم به نام آزادی، بی بند و باری و هرج و مرج را صحنه بگذاریم. زیرا خود می دانیم که آزادی غیر منظم و بی حد و مرز به بی بند و باری می انجامد.
ما بر این باوریم که شخصیت زن در

و حفظ و پاسداری انقلاب پاسخی درخور داشته باشد؟!
من به نام یک زن، در گذشته می اندیشیدم که مرد خواهان نقش کالایی و نمایشی زن است و عامل اصلی ایجاد کننده وضع غیر انسانی و ریایی برای او. نظام جامعه را مسئول می دانستم و باور داشتم که زنان برای رسیدن به نقش

باور داشتم که در یک نظام ملی، آزادی معنایش بی بند و باری و گسیختن عواطف و بستگی های خانوادگی و کنده شدن از وظیفه فردی و اجتماعی زن و مسرد نیست!
و حالا، با آنچه داد سخن دادند، ناچ افتخار بر سر زن گذارند، ستایش لعظه های مقاومت و سرسختی و جنگیدن او در سنگرهای گوناگون، ما ماندم و همان قاتون مسخری رضاخانی، آندیکتا نور بیسوار، تپی مغزی گسه زندگی درهم خانوادگی اش با فرزندان متعدد از زنهای مغز، نشان پایگاه سست فکری اوست. شگفتا اگر آن عصاره ی پستی و زشتی و خیانت را حامی اسلام بشناسیم! و قانون تصویب شده در دوران سیاه سلطنتش را،

در دوران انقلاب، دورانی که نخستین نعره اش بایستی حضور عدالت اجتماعی و تقسیم فرصت های زندگی به گونه ی برابر، برای مرد و زن، باشد، مبر تایید بزیم! شگفتا و هزاران بار شگفتا.
آیا سزاست که سر نوشت زنان آزاد و بیکارچو و آبدیدی در مکتب انقلاب انسان ظالمانه رقم بخورد و آنها را انسانهایی برابر و همپایه ی مرد نشناسند!!

اگر انقلاب جهشی بستوی تعالی و تکامل است، آیا لازمه ی آن گسستن همه ی بندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که استعمار و ارتجاع بر دست و پای ما بستند نیست؟!
آیا پاسخ زن که تلخترین اسارت را تحمل کرد، چه در خانواده و چه در جامعه و به شهادت شما مردان در شکستن آن بت سنگی بیشترین گوشش را در تمام سنگرهای نبرد ارائه نمود و باور داشت که بال و پر پروازش در نظام جمهوری اسلامی گشوده خواهد شد، صحنه گذاردن بر قانون

ماشین آلات فرسوده و کشتیها و ناوهای کهنه و رنک شده انگلیسی سرازیر کرد به پای محاکمه و قضاوت افکار عمومی کشیدند در مملکتی که برای روستائی اش راه و مدرسه و درمانگاه نبود سیستم فرستنده رنگی تلویزیون برقرار میکردند که یانی سازنده تلویزیون رنگی بتواند بهترین بازار فروش را بدست آورد امروز برنامه های خسته کننده تلویزیون رنگی مانده است و بی خریدار بودن تلویزیون رنگی و احتیالا رگود فروش و تعطیل کارخانه های مونتاژ تلویزیون در مرحله نخست رنگی و احتیالا در صورت عدم توجه به نیاز گروه های مختلف از سوی تلویزیون بخش مونتاژ سیاه و سفید آن.
خطری که وابستگی صنعت مونتاژ به اسارت سیاسی را برای کشورهای مثل ما هشدار میداد الان در ۴ قسمی ما است باز هم باید دولت مردان مس...

صنعت بیمار را در یابید

به نحوه معامله ما - به سفت کن شدن های ما - بی اعتماد شده در طول این ۷-۸ ماه دنبال بازار تازه ای است که به آن اعتماد داشته باشد و دیدیم که در چند مورد کشورهای همسایه ما را نشان کردند برای او ایران و فلان کشور قنوت نمیکنند او دنبال سود است دنبال گردش چرخهای صنعت خودش و جلوگیری از تعطیل و بیکاری کارخانه و کارگران - برایش فرق نمیکند جنس را با چه بدهد یا به دیگری ... او دنبال بازار مناسب و مورد اعتماد میگردد چنین فاصله ای در تعطیل دوباره راه اندازی کارخانه، کمیانی خارجی قید بازار ما را می زند و رو بسوی بازار دیگر میکند آن روز است که نمی دانیم با این گوه آهن و این گوره رنک و این پرس های چندین تنی چه بسازیم؟! و چکارشان کنیم؟! تعطیل چنین کارخانه ای یعنی تعطیل کارخانه لاستیک سازی - سیر سازی - شیشه سازی اتومبیل ... که در خط زنجیر تولید درصدهای از نیازهای تولید را از مصنوعات داخلی تامین می کردند. در حال حاضر بسیاری از صنایع مبتلا به چنین بیماری هستند و بی تعصب باید بگوئیم که با شعار و ظاهر خود فریبی نمی توانیم برای سالیانی نه چندان کوتاه خود را از اقتصاد مختلط و از استعمار وابستگی به مونتاژ رهائی دهیم ساخت زیر بنای صنعت مستقل ملی بدون وابستگی به خارج نیاز به گذشت زمان نیاز به صبر انقلابی - نیاز به از خود گذشتگی و نیاز به استفاده از مغزهای متخصصان دارد که متاسفانه آنها هم که باقی مانده اند قصد عزیمت دارند و بقولی بیماری فرار مغزها را باعث میشوند اگر اشتباهی یا تعمدی در کار بوده که به یکباره در پی فراگیری پرواز شاهین راه رفتن اردک را از یاد ببریم و بجای ایجاد صنایع ضروری مورد نیاز که تمام کشورهای در حال توسعه صنعتی شدن خود را با آن آغاز کرده اند یعنی بجای وارد کردن ماشین آلات مونتاژ تلویزیون به سوی ایجاد یک کارخانه غیر مونتاژ تهیه مواد غذایی و پوشاک و داروئی میرفتیم امروز در حیرت این نبودیم که با این همه کارخانه های غیر ضروری و با این همه ماشین آلات چکار کنیم بدبختی در این است

بقیه از صفحه ۲
کارشناسی های معمولی از کارگران عامل دیگری است در تشدید این بیماری - به ریزش حرفهای دو وزیر کار دولت وقت جمهوری اسلامی مراجعه کنیم هر کدام از دوزخهای آینده صنعت بدلیل عدم هماهنگی برنامه ریزان و مسئولان به تاریکی یسار کرده اند هم وزیر کار قبلی و هم وزیر کار فعلی به خطر افتادن امنیت اقتصادی و رکود صنایع را به عنوان هشدار تلخ بدولت اعلام داشته اند و این در حالی است که هر دو مقام بدلیل داشتن مسئولیت مشترک در هیات وزیران ناچار بودند حرفهایشان را برزند با اعتماد و اعتبار اینکه دیگر همکاران متعهد و مسئولشان می توانند امید به یاری سازمانهای اجرائی داشته باشند اگر مزرعه های یکسال کشت نشود زیانش را با ورود محصولی برای یکسال می توان جبران کرد ولی اگر کارخانه های یکماه بلا استفاده بهانه راه اندازی دوباره اش مشکل و گاه محال است. اگر کوره کارخانه شیشه سازی خاموش شود روشن کردنش زمان می خواهد و گرم شدن چهار کوره ماهها وقت می خواهد تازه پاک کردن داخل کوره و تعمیر قطعات کارخانه که به علت عدم کار رنک زده شده و نیاز به سرویس دارد کار یک روز و دو روز نیست - بی گشت مانند یک مزرعه کشاورزی هزارهکتاری مکانیزه تعطیل چهار تراکتور و کمپاین و بیست زارع را باعث میشود که می توان از این زارع بیکار شده در

باشعار و تظاهر و خود فریبی نمی توان برای سالیانی نه چندان کوتاه خود را از اقتصاد مختلط رهایی بخش

دست اندر کاران حکومت وقت جمهوری اسلامی، مسئولان مملکتی بی تعصب و با دینی منطقی آینده را بنگرند. یا باید پدیده تازه ای را جایگزین این صنایع مونتاژ بیمار سازند و یا باید که تساهلی نه چندان کوتاه تن به تکبدری و اداره این صنایع بدهند. به نظر می رسد در صنایع مشابه امکان اقدام محلی - استفاده از درصدهای کمی از ماشین آلات، استفاده از کارگران و توجه به یک یا دو نوع کالا بتواند امکانات شروع فعالیت مفید و بازده مطلوب را فراهم سازد باید از گذشته عبرت بگیریم و باید که لااقل در طول یک زمان ده تا پانزده ساله صرفه جویی را تا سرحد امساک بغوش بقیولانیم. رژیم گذشته حتی با آن انقلاب سفید مسخره خود و با داشتن تپی مغز آن مسائل اقتصادی و جامعه شناسان صنعتی باین اصل بدینی توجه نداشت که بعد از هراقتلاب باید مردم با روحیه انقلابی وبا آموزش مصرف آشنا شوند. بجای بستن دودزدهای مملکت بروی کالاهای لوکس و غیر لازم و غیر ضروری - بجای جلوگیری از ریخت و پاشی و خودبزرگ بینی از راه

نه ماه از پیروزی ملت ایران و شروع کار دولت موقت گذشته و دولت همنوز نتوانسته حتی در یک مورد برنامه سازنده ارائه دهد

کارخانه را با صدها میلیون تومان بدی بپوش دولت نهاده - دولت هم هیاتمدیره دولتی گذارده و شورای کارگران هم در همکاری با مدیر دولتی، طبعاً این غرامت اخراج چندین میلیون تومانی را باید دولت از کیسه سوراخ سوراخ شده اش پرداخت کند - بگیریم که پرداخت شد کارگر هم چند هزار تومان گرفت و رفت ۴ ماه ۶ ماه از این محل ارتزاق کرد - بعدش چه میشود؟! کارخانه فروشنده لوازم اولیه که ۷۵ یا ۸۰ درصد ساخت «مونتاژ» را بما میدهد ضمن اینکه به قیمت افزوده - ضمن اینکه پول نقد مطالبه میکند اصولاً

نه ماه از پیروزی ملت ایران و شروع کار دولت موقت گذشته و دولت همنوز نتوانسته حتی در یک مورد برنامه سازنده ارائه دهد

مزرعه مجاور استفاده کرد ولی تعطیل یک کارخانه ۱۰۰۰۰ متری باعث بیکاری هزار کارگر میشود و از کارگر کارخانه شیشه سازی نه در کارخانه ای دیگر و نه در مزرعه و گسترش می توان استفاده کرد. ۹ ماه از پیروزی ملت ایران و شروع کار دولت موقت گذشته است و دولت هنوز نتوانسته حتی در یک مورد برنامه سازنده ارائه دهد. برآیند صنایع را که ملی اعلام کرده اند بدون اینکه در اندیشه تخصیص اعتبار و سرمایه در گردش و تهیه لوازم یدکی و مواد خام آن باشند نگاه کنید. تنها کارشان این بود که به محض خراب شدن

جبهه ملی ایران
صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان
سردبیر: پروانه فروهر
دیر نظر شورای نویسندگان
 خیابان سپه شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن: ۸۹۸۲۱۷
 چاپ خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۵-۶۴

وحدت ملی ضرورت

بقیه از صفحه اول
هیچ چیز، جز فردگرایی و سودجویی وجود ندارد.
در گذشته عده‌ای کوشش دستگاه حاکمه بر این بود که به ما بقبولاند برای متعین و مترقی جلوه کردن باید آداب و رسوم ملی و زبان و فرهنگ خویش را انکار کرد. و ماسکی از آنچه غیر ایرانی است بر چهره بزنیم متأسفانه اکنون نیز

باشد و چه صنعتی و هیچکس حق ندارد در ارکان آن تزلزلی بوجود آورد و با هیچ بهانه‌ای در آن خرابکاری کند، زیرا هرگونه اقدام در راه تحمیل فرهنگی و اشاعی مکانیکی فرهنگ، باعث ایجاد بیگانگی در افراد می‌گردد.

در يك جامعه بیگانه شده با فرهنگ مسخ شده، هرگز نباید انتظار هیچگونه تحقق وحدت ملی را داشت، هرچند تمامی رسانه‌های گروهی از وحدت سخن گویند زیرا وحدت ملی برپسبی نیست که بتوان

بوسیله انسان‌های از اجتماع بیگانه، شالوده‌ی جامعه‌ای یگانه و فرهنگی اصیل را پایه‌گذاری نمی‌توان کرد.

به ستایش آنچه غیر ایرانی است می‌پردازند و درحقیقت فرهنگ خودی را محو می‌کنند و بی‌گمان کار آنها درست در جهت در هم ریزی و تخریب فرهنگ ملی است و اگر هدفی شبیه گذشته وجود نداشته باشد که امیدواریم چنین باشد، نتیجه با دروغ یکی خواهد بود.

تلاش بسیاری از صاحب نفوذان مملکتی در این جهت است که تمدن و فرهنگ غنی و معنوی ما را به بدترین شکل زیر نفوذ فرهنگ سامی در آورند.

در يك فرهنگ بی‌محتوا، هرگز اعتقادی به هیچ چیز، جز فردگرایی و سودجویی وجود ندارد.

هرچه ایرانی است و به‌نوعی تعلق به فرهنگ ما دارد نفی می‌شود، موسیقی ایرانی مبتذل و بی‌ارزش، هنر ایرانی اولیه و پوچ و آدا بی‌رسوم ملی، خرافی و قابل تحقیر و جانسپین همه اینها، هیچ نمی‌گویم چه، همین حالا بیچ رادیو را باز کنید، تلویزیون را روشن نمانید تا ببینید جانسپین موسیقی ما چه شده، داستانهای ملی جای خود را به چه داستان‌هایی داده‌اند و تعاریف برچه مبنایی است؟! و توجیه روابط انسانی میان آن ملت است، پاسخ نیازهای اجتماعی آنهاست و تضمین‌کننده وحدت روحانی آنان. بنابراین برای آن ملت این چنین فرهنگی با ارزش‌ترین نوع فرهنگ است، حال چه ساده باشد چه پیچیده، چه سنتی

تا دیر نشده...

بقیه از صفحه اول
و توطئه فرصت خودنمایی یافت و نگرانی و دلبره اوج گرفت.

در این میان آنها که به شکار آزادی کهن کرده‌اند يك قدم به هدف نزدیکتر شدند.

مشخص نبودن مرز مسئولیت‌ها و حضور گان‌های متعدد قدرت که بارها و بارها از سوی ما مورد اعتراض قرار گرفتند این بار دامن انزلی را گرفت و بی‌گمان با اطلاق کلمه‌ی ضد انقلاب به مردمی که خواهان رفع مشکلاتشان هستند کاری از پیش نمی‌توان برد.

فد انقلاب واقعی در همه‌جا حضور دارد و در جبهه‌ای به وسعت ایران به توطئه و اخلال مشغول است. بهانه می‌سازد و از بهانه‌ها بهره می‌گیرد. از اشتباه و خطا و ندامت‌کاری و ضعف، از تندروی و تعصب، بیشترین استفاده را می‌کند و آتش برمی‌افروزد و خود به کناری می‌نشیند و سوختن خانه و کاشانه‌ی ما را

مشکل گرانی و

بقیه از صفحه اول
لیخنند فروشنده را که بی‌دغدغه خاطر و نگرانی از حضور مأمور کنترل به‌شمارش پولش مشغول است شیرین‌تر می‌سازد! متأسفانه وجود جوانان با ایمانی که با عرضی ما محتاج مردم با بیای خرید زیر نام «فروشگاه اسلامی» مشغولند نیز کفاف نمی‌کند و در این دنیای بی‌سروته شسر کم می‌شود. دولت باید فکر اساسی کند و از سویی با جلوگیری از احتکار و مگرانفروشی

دست مشتکی فرصت طلب را از سودجویی و حشنتاک کوتاه سازد و با کنترل توزیع، مردم را از این حالت بسیار زشت «حرص زدن» و «انبار کردن» بیرون آورد و از سوی دیگر موجبات برافشاندن کارخانه‌ها را هرچه زودتر فراهم کند و اینقدر به دشمنان انقلاب فرصت پراکندن تقسیم بدبینی و نفاق ندهد.
در این راه بیشترین کمک را می‌توان از خود مردم گرفت بشرط آنکه با نادرست عمل کردن يك پدیده جدید نادرستی تراشی نسازیم.

تضاد «حرکت انقلابی»

بقیه از صفحه اول

در عزای طالبانی شکوه‌مندی وفا را به عالی‌ترین درجه خود می‌رسانند. یا صمیم و مصمم در «راه‌پیمائی وحدت» شرکت می‌کنند، مراسم همبستگی جهانی ملت‌های مسلمان را در «روز قدس» با جلال هرچه تمامتر برگزار می‌نمایند. در «نمازهای روز جمعه» استمرار و تداوم نشان می‌دهند، اینها و حرکت‌هایی از این‌گونه نشان می‌دهد که «زننده» هستند و هنوز هم توان «حرکت‌آفرینی» دارند و به خوبی مشهود می‌سازند که در «مجموعه انقلابی ملت» با وفاداری کامل به رهبر انقلاب، با تصام اصالت‌های مردمی خود در مسیر انقلاب‌آفراد دارند.

ولی کار بدست‌ان مملکتی اعم از دولتی و نیمه دولتی و حتی «روحانی» نه تنها نتوانستند با نخواستند از این «آمارگی

شده گناه را به گردن مردم و «ناآشنا بودن» آنها انداخته است. مردمی که بزرگترین حرکت‌های تاریخی را به‌وجود آورده‌اند و بیش‌تر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را نشان داده‌اند، اکنون توسط کار بدستان دولتی به نادانی و علم درک و وظائف ملی متهم شده‌اند!

عجیب‌تر اینکه گمانیکه خود از عاملان بی‌اعتمادی مردم شده‌اند و با انحصار طلبی‌های خود، در سرتاسر ایران انواع بی‌حرمتی‌ها و ناروایی‌ها را انجام داده‌اند. و خود را بگونه تنها سازمان سیاسی معتقد به جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب معرفی کرده‌اند و بنام «خبرگان سیاسی» ناآشنائی و ناتوانی و حتی مغرض بودن خود را نشان داده‌اند و مجلس تدوین قانون اساسی ملت انقلابی ما را جز چند تنی از «خبرگان» واقعی و متعلق به مردم تپه ساخته‌اند، امروز علیه انتخابات شوراهای با نهاد‌های مملکتی تضاد پیدا

ببری مال مسلمان و چو مالت ببرد بانك و فریاد بر آری که مسلمانی نیست

«حافظ»

مردمان و انسانی برخوردار باشند، بلکه در تعالی آن حرکت اصیل نیز موانع ایجاد کردند و با «نهادی کردن» و با «انحصار در آوردن» بخش‌هایی از جیش و یا خواسته‌هایی از آن، موقعیتی را به پیش آوردند که بسان دوره پیش از «دولت» «سازمان‌ها» و «نهادهای» اذعانیت محروم گردیده و ملت و حرکت ملی، پندین مرحله از آنها جلوه‌ت افتاده است : این امر با شناخت چگونگی شرکت مردم در «بیوندیابی» با نهادها آشکارتر میشود.

در نخستین ملاقات‌های گرم انقلاب صرناظر از برخی ملاحظات آماری بیش از ۹۵ درصد مردم به «نهادهای جمهوری اسلامی» رای دادند و این نهاد نو بنیاد انقلاب را دارای همان محتوا دانستند که «مجموع جمهوری اسلامی» یعنی استقلال ملی و عدم وابستگی به قدرت‌های ویران‌ساز جهانی، حریت ذاتی بشر و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت در تمام ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی.

دولت موفق جمهوری اسلامی که نه‌باینده همه‌جانبه تمامی «نهادهای» کهن و نو بنیاد بود در عملکردهای خود نشان‌داد که نمی‌تواند با «خواسته‌های مردم» هم‌آهنگی داشته باشد، در نتیجه مردم با اینکه زنده و حرکت آفرین هستند و در خط انقلاب راستین قرار دارند، اما اندک اندک از «نهادهای» روی تافته‌اند.

نخستین کم توجیبی آنها، پسانین آمدن درصد شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی بود که به دنبال بسیاری از «خللافکارسیاسی» و «انحصار طلبی‌های» انتخاباتی این مجلس را از اعتبار مورد انتظار پائین آورد بطوریکه «صوبات» آن کمتر مسود توجه قرار می‌گیرد و اگر روزی مردم به این «قانون اساسی» رای بدهند به تحقیق آنرا باید نوعی «رای اعتماد» به رهبر انقلاب دانست و لایحه «ملی» و بدبینی است «حذائیت» چنین «مشهور

دولت موفق جمهوری اسلامی مردم ما در تداوم و استمرار سازنده، مبارزه علیه نهادهای پوسیده و سازمان‌های ارتجاعی را رها نکند و حال که قیام کرده است براسستی انقلاب تندی بگیرد و بمعنای واقعی دگرگونی های بنیادی را در جامعه بوجود آورد. ملت ما هم اکنون در دو راهی قرار دارد. یا از دست دادن همه دست‌آوردهای انقلاب و بازگشت به مواضع ارتجاع و استبداد وابسته و یا حرکت بسوی جامعه آزاد و مستقل و زیست مبتنی بر عدالت. که در هر دو حال گویا پرونه دولت‌موقوت انقلاب با روشی که تاکنون داشته، بسته شده به نظر میرسد.

به قلم معلم قزوینی

در گیری شدید پیشمرگان با نیروهای عراقی

در جریان دگرگیری شدید میان پیشمرگان اتحادیه میهنی کرد با عساکر دولت بعث عراق تلفات سنگینی به نیروهای عراقی وارد آمده است.

برپایه گزارش‌های رسیده در ایسن دگرگیری در حدود ۱۱۲ نفر از اسرمان و سربازان دولت بعث عراق به هلاکت رسیدند.

پیشمرگان اتحادیه میهنی کرد در یکی از برخورد‌های خود با نیروهای عراقی با گروهی متشکل از ۳۰۰ مزدور یسک گردان نظامی که از طریق ۷ هلیکوپتر حمایت میشدند به سودااش حمله کرده

برادر کشی در کردستان تا کی؟!

بقیه از صفحه اول

چه بجاست که همزمان با آغاز مذاکرات سیاسی میان دولت و رهبران مذهبی و سیاسی کردستان برای آنکه در این موقع حساس تحریکات تازه‌ای مانع از حل بحران نشود سپاه پاسداران راه‌رچه زودتر از منطقه خارج کنیم.

زیرا حضور آنها در هرکوشه کردستان با توجه به سوء تفاهمی که میان مردم کرد و پاسداران بوجود آمده است تشنج بیشتری را در منطقه به دنبال خواهد داشت.

از سوی دیگر با ادامه فعالیت باقی مانده دادرس‌ها و دادگاه‌های انقلاب در منطقه نمی‌توان به حل بحران امیدوار بود چرا که عملکرد این دادگاه‌ها در طول برپائی با علامت‌های سؤال‌گونگون‌دوپیرو شد که پس از برقراری آرامش در کردستان باید دقیقاً مورد رسیدگی قرار گیرد.

در این میان نقش عمده را برای برقراری نظم در منطقه باید نیروهای ژاندارمری، شهربانی و در صورت لزوم ارتش با همکاری برادران کرد به عهده گیرند.

همچنانکه بارها یادآور شده‌ایم ایران در حال حاضر در معرض تجاوز علنی عراق قرار گرفته است و عمال بعث با ایجاد توطئه و اعزام گروه‌های خرابکار نقشه‌های شومی را در سر می‌بروراند و این‌هشدار است که باید آنرا جدی گرفت و هر تجاوزی که از سوی عوامل بیگانه به خاا میهن صورت می‌گیرد بشدت سرکوب کرد.

اما توطئه‌گران و آنها که به نفع خود را در ادامه بحران کردستان می‌بینند اطمینان

سالگرد آندوهی بزرگ

بقیه از صفحه اول

مسلمانان ایران گمان کرده بودند با درگذشتش می‌توانند امام را آسیب رسانند و او را در مقام رهبری ملت درهم شکنند. با اینکه از دست دادن فرزندی برومند و پرتوان بس مشکل و غم‌آور است، اما برای امام از میان رفتن اسلام و وطن اسلامی مشکلت و غم‌آورتر بود و به همین دلیل با

دولت و مردم

بقیه از صفحه اول

نارسایی ناشی از سوی مردم تلقی می‌کنند، یعنی آنها آگاهی مردم را در يك لغظه مشخص تاریخی به عنوان دلیلی برای نارسایی ددونی و ذاتی آگاهی وجدان آنها به حساب می‌آورند. از آنجا که برای تحقق پذیرد و بیروزی انقلاب، دولت محتاج به طرفداری مردم است، بران می‌شوند که همان رویه‌هایی را که بوسیله رفتارهای ضد مردمی بکار می‌گرفتند، اعمال کنند.

با منطقی جلوه دادن حس عدم اعتماد خود به مردم اظهار می‌دارند که مشورت با مردم درباره مسائلشان فعلا غیر ممکن می‌باشد و بدین طریق آنها به برقراری ثنوری ضد گفتگویی، همت می‌گمارند و پی‌آمد چنین رفتارهایی بناچار کوشش برای فائق آمدن نوعی تحمیل است که سرانجامی نخواهد داشت.

نقش خدمتگزاران دولت انقلابی تحت هر شرایطی، ایستگه حتی در حین اقداماتشان دلایلی را که مردم برای احساس سوء ظن خویش نسبت به برنامه‌های آنها ذکر می‌کنند، خیلی جدی تلقی نمایند و بکوشند که راه‌های حقیقی وحدت با آنها

۳ سرباز عراقی کشته شدند

بسرآماس گزارش رسیده دگرگیری شدیدی میان پیشمرگان کرد و عساکر حکومت بعث عراق در منطقه کلاسه رخ دان که در پی آن سه سرباز عراقی کشته شدند. پیشمرگان کرد به منظور جلوگیری از استخراج سنگ مرمر توسط يك کمپانی پیشمرگان الفتنار.

اهریمان خاموش!

بقیه از صفحه اول

کثیف و لعنتی انتظار همگان این بود که مبارزه‌ای اساسی با این پلیدی‌ها و نشانه‌های نفس دیکتاتوری انجام گیرد. همچون بسیاری از توقعات بجا و برحق هیچ نشانی از عملی درست و انقلابی در هیچ کجای جامعه به چشم نمی‌خورد. بیشتر جوان‌ها همان هنوز اسیر این شیطان‌ها هستند و با احساس شهروندان

داشته باشند که ملت انقلابی ایران به خوبی اینگونه فعالیت‌ها را درک می‌کند و در زمان مقتضی پاسخ خواهد گفت. آنها زمانی به بهانه دخالت پیشمرگان‌گرد دست به تحریک و برادرکشی می‌زنند و زمانی صحبت از تجزیه‌طلبی و رهبران مذهبی سیاسی کردستان دارند.

در حالی که گفتگوها نمایانگر آنست که هم‌بیتان کرد ما خواسته‌های خود را در چارچوب ایران می‌خواهند و بآول یکی از آنها کردستان بدون ایران معنایی ندارد. اما مبارزان راستین که بخش عمده‌ای از زندگی بر مشقت خود را در زندان‌های رژیم آریامبری گذرانده‌اند و برای آزادی ایران مبارزه کرده‌اند بخوبی می‌دانند که در آنسوی مسرر نیز هستند مبارزانی که برای رهائی میهنشان از بند های استعمار و رژیم نژادگرای بعث‌توک را با آغوش باز می‌پذیرند و پیشمرگان آزادی‌اند.

آیا چنین افرادی از بحران کردستان سود خواهند برد مگر فراموش کرده‌ایم که در نخستین روزهای پیروزی انقلاب آن جرگه پیر چه مشتاقانه بدیدار امام شتانت و در صف طرفداران انقلاب راستین ملت ایران قرار گرفت.

آقایان سخت در اشتباهید اگر بخواهید شعور این مردم را به بازی بگیرید. و هدف‌های شوم خود را هر روز به بهانه‌ای تازه به آنها تحمیل کنید زیرا ملت ایران با تکیه به رهبری روشن‌بینانه امام توطئه های تنگین شما را در نقطه خفه خواهد کرد.

صبر و استقامت و بزرگواری و خوشبختنداری پیشوایی امت و رهبری ملت بر عهده ایشان باقی ماند و با درایت بسی‌تقلیر بزرگترین حکومت‌های استبدادی جهان سرنگون شد.

ما سالروز درگذشت آن مجاهدالعقبر را به امام خمینی تسلیت گفته و جوانان فرزندان يك ملت مشتاق خود را با پیروی بزرگواری و دایره‌ی قاطع‌استوارتر می‌داریم.

را پیدا کنند. به مردم کمک کنند که به خودشان متکی شوند و بطور انتقادی و واقعی را که باعث محرومیت آنها شده به بررسی گیرند. شکی نیست وجدانی که تحت تسلط قرار گرفته دارای يك آگاهی محروم، نامشخص، هراسناک و غیر قابل اعتماد است. تنها عاملی که خدمتگزاران انقلابی را از ضد انقلابی جدا می‌کند هدف‌های آنها نیست، بلکه روش‌هایی است که برای رسیدن به این هدف‌ها بکار گرفته می‌شوند.

این برآستی خلاف وظیفه‌ی يك دولت انقلابی است که دالما مردم را با مسائلمان و مشکلاتشان آشنا سازد و آنها را برای تجزیه و تحلیل انتقادی آماده نکند. حقیقت را باید هرچند تلخ و نگووار

باشد، مردم بدانند و بیاموزند که چگونه با آن دربرو شوند و این دقیقاً وظیفه‌ی دولت‌مردان است. وقتی دولت خود را بزرگ‌زده‌ی مردم و خدمتگزار آنها احساس کرد، وظیفه دارد که آئینه‌ی تمام نمای زندگی ملی باشد و با زتاب هر عمل را مردم برآحتی در چهره‌ی او ببینند. در چنین حالی است که همبستگی حفظ می‌شود و دولت و مردم هر دو در يك مسیر و بخاطر يك هدف گام برمی‌دارند.

ایتالیایی در منطقه کلاسه نزدیک استان ادریل وارد عمل شدند. در پی این اقدام میان پیشمرگان و سربازان عراقی دگرگیری شدیدی بوجود آمد که به دنبال آن سه سرباز عراقی کشته شدند و اسلحه‌های آنها به دست پیشمرگان افتاد.

روژ پروژ دو بغزونی است. انقلاب، رانشار انقلابی، عملکردهای انقلابی و اندیشه‌ی انقلابی می‌خواهد، باستی‌نیروی جوان‌ها را با ارشاد توام با مبر متوجه مسائل حیاتی میهن کرد و روز و شبشان را جزن به سرشاری و بربردی آمیخت‌که فرصت در نمودن به پلیدی‌ها نماند. دریغ که چه برنامه‌های پرشور می‌توانستیم داشته باشیم، چه حرکت‌های درستی می‌توانستیم ایجاد کنیم، چه دگرگونی‌هایی می‌توانستیم بشان نیسیم! و چرا؟!